

حسابرسی داخلی در بانک ها و مؤسسات

مقدمه:

تغییر و تحول، رقابت، ریسک و رویداد های غیرمنتظره همگی از ویژگی های محیط های کسب و کار امروزی بشمار می رود. در این شرایط سازمانهای تجاری و بنگاههای اقتصادی در مسیر دستیابی به اهداف خویش با چالشهای بیشماری روبرویند، مدیریت سازمانها همواره به دنبال یافتن راهکاری در جهت حصول اطمینان از اهداف از پیش تعیین شده اند. یکی از موثر ترین راهکارهای موجود در این رابطه طراحی و استقرار ساختار کنترلهای داخلی کارا و اثربخش است که این مهم خود امری بسیار پیچیده و دشوار بوده که با برخورداری از خدمات متخصصان این حوزه قابل انجام می باشد. یکی از ساز و کارهای موثر در رابطه با طراحی ، استقرار، توسعه و ارتقای ساختار کنترلهای داخلی یکپارچه و منسجم بهره گیری از فرآیند حسابرسی داخلی است.

۱. ضرورت حسابرسی داخلی و کنترلهای داخلی در بانکها و مؤسسات اعتباری

نقش حسابرسی داخلی در سازمانها به اندازه ای در توسعه و ارتقای سیستم کنترل داخلی با اهمیت می باشد که در سالهای اخیر بسیاری از مراجع قانونی و دستگاههای نظارتی استقرار واحد حسابرسی داخلی را برای سازمانها تکلیف نموده اند. لزوم استقرار کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی در سازمان بصورت بخشنامه توسط مراجع قانونی و دستگاههای نظارتی بشرح ذیل به نهادهای زیر مجموعه ابلاغ و اعلام شده است:

۱. ضرورت رعایت الزامات بخشنامه مب ۱۱/۷۲ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نظر به اهمیت و لزوم برخورداری بانکها و مؤسسات اعتباری کشور از نظام مناسب برای کنترلهای داخلی واحدهای تابع خود، بانک مرکزی اقدام به انتشار مجموعه «رهنمودهایی برای نظام موثر کنترل داخلی در مؤسسات اعتباری» با عنوان بخشنامه مب ۱۱/۷۲ در خرداد ۱۳۸۶ جهت اجرا و فراهم سازی بستر لازم برای استقرار نظام کنترل داخلی موثر در بانکها ابلاغ نموده که بر اساس این دستورالعمل؛ بانکها مکلف گردیدند هر ۶ ماه یکبار، گزارشی از پیشرفت کار در خصوص پیاده سازی نظام جامع کنترلهای داخلی در واحد تابع خود و اقدامات انجام شده در اجرای موثر این بخشنامه را به مدیریت کل نظارت بر امور بانکهای بانک مرکزی گزارش دهند.

۱-۲) ضرورت رعایت الزامات رهنمودهای کمیته بال یا بازل ۱ Bobs

بر اساس رهنمود اصول حاکم بر عملیات حسابرسی داخلی از نظر کمیته بازل منتشره در جولای ۲۰۱۲ که جایگزین رهنمود سال ۲۰۰۱ شده ۲۰ اصل بعنوان اصول حاکم بر فعالیت حسابرسی داخلی عنوان شده که انتظارات آن نهاد از واحدهای حسابرسی داخلی بانکها و همچنین نهادهای نظارتی (بانک مرکزی) را مشخص نموده است. رؤس کلی وظایف حسابرسی داخلی در بانکها در این رهنمود به شرح ذیل تعریف گردیده است:

- ارزیابی کفایت و اثر بخشی کنترلهای داخلی ، مدیریت ریسک و فرآیند نظارت در بانک
- ارزیابی رعایت قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت بانک و همچنین مقررات داخلی بانک
- رایه پیشنهادات جهت بهبود عملیات در بانک از منظر کارایی و اثر بخشی
- کمک به جلوگیری یا کشف تقلب

۱-۳) ضرورت رعایت الزامات دستور العمل کنترلهای داخلی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران

بر اساس رعایت الزامات قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران ، سازمان بورس و اوراق بهادار در اردیبهشت ۱۳۹۰ مبادرت به تدوین دستور العمل کنترلهای داخلی برای شرکتهایی که به هر شکل نسبت به انتشار اوراق بهادار اقدام می نمایند،

نموده است. بر اساس این دستور العمل ناشرین اوراق بهادار علاوه بر ایجاد کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی، مکلف هستند نسبت به رعایت مفاد دستور العمل مذکور اقدام نمایند.
اهم اقدامات مورد لزوم مطابق دستور العمل بشرح زیر است:

- استقرار و بکارگیری کنترلهای داخلی مناسب و اثر بخش بمنظور دستیابی به اهداف شرکت
 - ارزیابی اثر بخشی سیستم کنترلهای داخلی بر اساس دستور العمل کنترلهای داخلی حداقل بطور سالانه
 - پشتیبانی از گزارش ارزیابی کنترلهای داخلی از طریق مستندسازی مبانی و شواهد ارزیابی
 - ارائه نتایج ارزیابی در مورد کنترلهای داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در قالب « گزارش کنترلهای داخلی »
- ۲- تعریف حسابرسی داخلی مطابق نظر انجمن حسابرسی داخلی^۲ (IIA)

"حسابرسی داخلی، فعالیت مستقل و بی طرفانه اطمینان بخش و مشاوره ای است که به منظور ایجاد ارزش افزوده و بهبود مستمر عملکرد سازمان، طراحی و اجرا می شود. حسابرسی داخلی سازمان را در دستیابی به اهداف، از طریق برقراری رویکردی سیستماتیک برای ارزیابی و بهبود اثربخشی فرآیندهای مدیریت ریسک، کنترل و نظام راهبری یاری می رساند."
با توجه به تعریف فوق میتوان ساختار کنترلهای داخلی و فرآیند حسابرسی داخلی را ابزاری مناسب برای مدیریت و به منظور مقابله با ریسکهای درون و برون سازمانی در مسیر حرکت سازمانها به سمت اهداف از پیش تعیین شده به شمار آورد.

بی شک نقش و اهمیت ساختار کنترلهای داخلی در سازمانهای گوناگون متفاوت است. اندازه ریسکهای تهدید کننده، ماهیت فعالیتها و عوامل متعدد دیگری بر میزان اهمیت و نقش ساختار کنترلهای داخلی و به تبع آن حسابرسی داخلی موثر است. با توجه به گستره و تنوع چشمگیر عملیات موسسات مالی بانکی و ریسکهای خاص و قابل توجه مترتب بر عملیات آنها می توان به نقش حیاتی ساختار کنترلهای داخلی کارا و اثر بخش و فرآیند ارزش افزای حسابرسی داخلی در این سازمانها پی برد.

۳- طراحی، استقرار و اجرای فرآیند حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک نیازمند اجرای مراحل زیر می باشد:

- الف- اجرای فرآیند حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک در سطح عملیات ستاد و شعب
- ب- تدوین دستور العمل حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک (شامل برنامه های رسیدگی، فرم ها، رهنمود های اجرایی و ...). متناسب با عملیات حوزه های مورد رسیدگی
- ج- تدوین و برگزاری دوره های آموزشی لازم به منظور بهره گیری از دستور العمل تدوین شده در بند فوق و اجرای فرآیند حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک در بانک
- الف- اجرای فرآیند حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک:

این مرحله اولین مرحله در اجرای خدمت " طراحی، استقرار و اجرای فرآیند حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک " به شمار میرود، شاید بتوان اصلی ترین ویژگی فرآیند حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک را شناسایی و ارزیابی ریسک های تهدید کننده عملیات سازمان و در ادامه بهره گیری از این اطلاعات در جهت برنامه ریزی اثر بخش تر و تخصیص بهینه تر منابع در طی انجام عملیات حسابرسی داخلی دانست. در حقیقت این شرایط می تواند با تمرکز عملیات حسابرسی داخلی بر حوزه های پر ریسک و پرهیز از صرف منابع در رابطه با موارد بی اهمیت، منجر به افزایش کیفیت یافته ها و نتایج ناشی از عملیات حسابرسی داخلی شود. تهیه گزارش های ریسک که به شناسایی، اندازه گیری و تشریح عوامل ریسک تهدید کننده عملیات سازمان می پردازد. یکی از مهمترین نتایج فرآیند حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک بشمار می رود که این شرایط می تواند در دستیابی مدیریت به شناختی جامع از ریسکهای تهدید کننده سازمان و بکار بستن استراتژی های مناسب برای پاسخ گفتن به ریسکهای موجود

یاری رساند. این شرایط می تواند مبنایی معقول و قابل اتکا را در جهت طراحی، استقرار و توسعه نظام جامع مدیریت ریسک در سطح بانک فراهم آورد.

۱. تمرکز بر حوزه های پر ریسک سازمان و پرهیز از صرف منابع در رابطه با موارد کم اهمیت و در نهایت افزایش اثر بخشی و کارایی عملیات حسابرسی داخلی و ارتقای کیفیت یافته ها
 ۲. گزارشگری وضعیت ریسک های تهیه کننده سازمان به تفکیک ماهیت و اهمیت عوامل ریسک شناسایی شده و در قالب گزارشهای مدون ریسک
 ۳. ارائه تصویری جامع از ریسکهای با اهمیت تهدید کننده سازمان به مدیریت به منظور تسهیل فرآیند انتخاب استراتژی های مناسب پاسخ به ریسک
- در ادامه نمایه ای در رابطه در رابطه با فرآیند انجام حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک ارائه گردیده و پس از آن به شکل اجمالی به تشریح هر یک از مراحل انجام فرآیند مذکور خواهیم پرداخت:

مرحله اول				
کسب شناخت و برنامه ریزی اولیه	مرحله دوم			
	مستندسازی فرآیندها	مرحله سوم		
		شناسایی و کمی نمودن ریسکهای پیش رو	مرحله چهارم	
			ارزیابی سیستم کنترلهای داخلی در سطح فرآیندها	مرحله پنجم
			گزارشگری	

۱. الف) کسب شناخت و برنامه ریزی اولیه: کسب شناختی جامع از موضوع مورد رسیدگی را شاید بتوان از شروط لازم به منظور انجام هرگونه فعالیت ممیزی اعم از حسابرسی داخلی دانست. کسب اطلاع کافی از ویژگی های صنعت، ماهیت عملیات، فرآیند های کاری و سایر موارد لازم، تا حد قابل توجهی بر اجرای اثر بخش مراحل مختلف فرآیند حسابرسی داخلی اثر خواهد گذاشت. بدین منظور حسابرسان داخلی بخش قابل توجهی از منابع در اختیار خود را صرف کسب شناختی همه جانبه از واحد مورد رسیدگی خواهند نمود. حسابرسان از شناخت کسب شده به منظور تدوین برنامه اولیه حسابرسی داخلی بهره گرفته و برنامه ای مدون را به منظور اجرای این فرآیند به گونه ای اثر بخش محیا می سازند. بدیهی است برنامه مذکور با گذشت زمان و پیشبرد عملیات حسابرسی داخلی تعدیل و بروز خواهد شد. ضمن آنکه شرایط و ماهیت خاص فعالیت بانک توسعه تعاون، قوانین و مقررات حاکم بر فضای عملیات آن و عوامل ریسک منحصر به فرد پیش رو از جمله عواملی بشمار می رود که اهمیت کسب شناختی جامع و همه جانبه را به منظور اجرای اثر بخش فرآیند حسابرسی داخلی دو چندان می نماید.

۲. الف) مستندسازی فرآیندها: هر سازمانی به منظور دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده، عملیات خود را در قالب فرآیندهای مشخصی تدوین میکند. در حقیقت فرآیندهای کاری، مجموعه ای از فعالیت های مرتبط به هم است که به منظور پیشبرد سازمان به سمت اهداف از پیش تعیین شده طراحی و اجرا می شود. حسابرسان داخلی نیز به واسطه ایجاد زمینه ای معقول و مستند از نحوه انجام عملیات و جریان اطلاعاتی در سازمان ناچارند تمامی فرآیندهای کاری موجود در واحدهای مورد رسیدگی را شناسایی و به نحوی مطلوب مستند نمایند. این شرایط در حقیقت مبنایی منطقی و قابل اتکا جهت تجزیه و تحلیل و ارزیابی سیستم کنترلهای داخلی در درون سازمان از سوی حسابرسان داخلی فراهم می آورد و از طرفی می تواند در کسب دیدگاهی

دقیق و ریز بینانه توسط مدیریت از محیط عملیاتی و جریان اطلاعاتی در درون سازمان بسیار موثر واقع شود. مستندسازی فرآیندهای کاری بانک توسط حسابرسان داخلی با بهره گیری از اثربخش ترین و مطلوب ترین ابزارهای مستندسازی سیستم ها همچون فلوجارت‌های منطقی و دیاگرام جریان داده (DFD) انجام خواهد گرفت و نتایج آن علاوه بر استفاده در طی عملیات حسابرسان داخلی به شکلی مطلوب در اختیار مدیریت و سایر واحدهای مربوط قرار خواهد گرفت.

۳. الف) شناسایی و کمی نمودن ریسک‌های پیش رو: همانطور که پیشتر بیان شد هدف اصلی سیستم کنترل‌های داخلی، ایجاد اطمینانی معقول نسبت به دستیابی مدیران سازمانها به اهداف مورد نظر است. عواملی که در این مسیر دستیابی سازمانها به اهداف از پیش تعیین شده را با ابهام روبرو می سازد را ریسک (تجاری) خوانده می شود. به بیان دیگر یکی از اصلی ترین اهداف طراحی و استقرار سیستم کنترل‌های داخلی، شناسایی، ارزیابی و مدیریت نمودن ریسک‌های پیش روی سازمانها است. در همین راستا و به منظور ارزیابی کیفیت عملکرد سیستم کنترل‌های داخلی در شناسایی و روبرویی با ریسک‌های پیش رو، لازم است حسابرسان داخلی اصلی ترین ریسک‌های تهدید کننده سازمانها را شناسایی و میزان تأثیر گذاری آنها را به شکلی کمی ارزیابی نمایند. در این مرحله حسابرسان داخلی با بهره گیری از مدلهایی عملیاتی نسبت به شناسایی و ارزیابی ریسک‌های تهدید کننده سازمان اقدام می نمایند و در نهایت اصلی ترین عوامل ریسک شناسایی شده را که در صورت بالفعل شدن می تواند عملیات سازمان را متاثر سازد شناسایی و گزارش می نماید. نتایج این مرحله از فرآیند حسابرسی داخلی در درجه اول میتواند نشان دهنده حوزه های پر ریسک عملیات سازمان و به تبع آن اختصاص وقت و منابع بیشتر از سوی حسابرسان داخلی در رابطه با این موارد باشد. در درجه دوم گزارش های حاصل از این مرحله (گزارش ارزیابی ریسک) می تواند مدیران سازمانها را در دستیابی به نگاهی جامع در رابطه با ریسک های پیش روی سازمان و به تبع آن بکار بستن استراتژی های اثر بخش مدیریت ریسک یاری رساند. بدین منظور توجه به این نکته لازم به نظر می رسد که تهیه گزارش های ارزیابی ریسک توسط حسابرسان داخلی میتواند زمینه ای معقول را برای طراحی، استقرار و توسعه ساختار مدیریت ریسک بنگاه در درون بانک فراهم آورد.

حسابرسان داخلی به منظور اجرای فرآیند ارزیابی ریسک و در نهایت گزارشگری ریسک های با اهمیت شناسایی شده از منابعی بشرح ذیل بهره خواهند گرفت:

۱. ساختار مدیریت ریسک بنگاه منتشره توسط COSO^۳

۲-۱ دستور العمل ارزیابی ریسک منتشره توسط موسسه حسابرسی PWC^۴

۳-۱ الزامات کمیته بال خصوصاً بال ۲ در رابطه با ساختار مدیریت ریسک بنگاه

در پایان ذکر این نکته لازم به نظر می رسد که نتیجه اجرای مرحله ارزیابی ریسک (شناسایی و کمی نمودن ریسک‌های پیش رو) در طی اجرای فرآیند حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک تدوین و ارائه گزارش ارزیابی ریسک در سطح حوزه های مورد بررسی خواهد بود.

۱. الف) ارزیابی سیستم کنترل‌های داخلی در سطح فرآیند ها: پس از تعیین عوامل ریسک با اهمیت در مراحل قبل، حسابرسان داخلی به ارزیابی سیستم کنترل‌های داخلی در رابطه با موضوعات پر ریسک در سطح هریک از فرآیندهای مربوط به عملیات واحدهای ستادی و عملیات شعب می پردازند. در این مرحله حسابرسان داخلی نسبت به ارزیابی اثر بخشی طراحی و عملکرد کنترل‌های تدوین و مستقر شده در رابطه با هریک از اجزای سیستم کنترل‌های داخلی در سطح فرآیندهای مورد بررسی اقدام می نمایند. حاصل این مرحله شناسایی نقاط ضعف یا به عبارتی زمینه های مستعد بهبود در رابطه با نحوه طراحی یا عملکرد سیستم کنترل های داخلی است. اما این تنها بخشی از کاری است که حسابرسان داخلی به منظور بهبود و توسعه سیستم کنترل‌های داخلی در درون بانک می توانند انجام دهند. در ادامه تدوین و ارائه راهکارهایی معقول و منطقی به منظور رفع و بهبود نارسایی های شناسایی شده می تواند نقش بسیار مهمی را در ارتقای وضعیت سیستم کنترل‌های داخلی ایفا نماید. به بیان دیگر شناسایی

دقیق نارساییهای سیستم کنترل‌های داخلی ، تبیین اثرات عدم رفع و بهبود این موارد و در ادامه طرح راهکارهایی منطقی و عملیاتی به منظور رفع و بهبود نارسایی های مذکور از مهمترین نتایج این مرحله بشمار می رود.

حوزه رسیدگی های حسابرسان داخلی از جمله امور مالی و امور اعتباری و عملیات شعب را میتوان بشرح ذیل خلاصه کرد.

اهداف رسیدگی	اهداف رعایتی	اهداف گزارشگری	اهداف عملیاتی
امور مالی	محیط کنترلی		
	اطلاعات و ارتباطات		
امور اعتباری	سیستم های ارزیابی خطر		
	فعالیت های کنترلی		
عملیات شعبه	فعالیت های نظارتی		

۱. الف) گزارشگری: اثر بخشی تمامی فعالیت های ممیزی و بازرسی اعم از حسابرسی داخلی را تا حد بسیار زیادی میتوان به نحوه گزارش گیری نتایج و یافته ها وابسته دانست. در این مرحله ، حسابرسان داخلی تمامی یافته های با اهمیت خود را در مراحل قبل اعم از نارسایی های شناسایی شده ، آثار احتمالی عدم رفع این موارد و راهکار های رفع و بهبود شرایط موجود در قالب گزارشی مدون و مکتوب تهیه و به مدیریت ارائه می نمایند با توجه به مراتب بالا ، فهرست گزارشات قابل ارائه توسط موسسه حسابرسی رازدار و بواسطه اجرای فرآیند حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک در بانک بشرح ذیل خواهد بود.

ردیف	عنوان
۱	گزارش ارزیابی سیستم کنترل‌های داخلی در سطح عملیات "امور مالی"
۲	گزارش ارزیابی سیستم کنترل‌های داخلی در سطح عملیات "امور اعتباری"
۳	گزارش ارزیابی سیستم کنترل‌های داخلی در سطح عملیات " شعب مورد رسیدگی"

ب) تدوین دستور العمل حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک:

در فرآیند تدوین دستور العمل حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک علاوه بر عملیات بانک موارد زیر به شکل ویژه مورد توجه قرار خواهد گرفت:

۱. اصول مطرح شده در رابطه با کنترل‌های داخلی مطابق با چارچوب نظری منتشر شده از سوی COSO
 ۲. اصول مطرح شده در رابطه با کنترل‌های داخلی حاکم بر عملیات موسسات مالی و ریسک‌های مترتب بر عملیات آنها مطابق بر سند بال ۲
 ۳. بخشنامه ها ، آیین نامه ها و سایر قوانین و مقررات مرتبط با عملیات حوزه های مورد رسیدگی
 ۴. استانداردهای حسابرسی داخلی منتشر شده از سوی انجمن بین المللی حسابرسان داخلی
- این دستور العمل می تواند شامل بخشهای زیر باشد:
- دستور العمل حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک همچنین شامل طرح مفاهیم نظری لازم ، ارائه رویه های علمی و فرم ها و برنامه های ضروری برای اجرای فرآیند حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک خواهد بود. این شرایط می تواند زمینه اجرای فرآیند اثر بخش حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک را به گونه ای مطلوب فراهم آورد.

عنوان	فصل
کسب شناخت و برنامه ریزی	اول
مستندسازی فرآیندها	دوم
ارزیابی ریسک و تعیین حوزه های پر ریسک	سوم
ارزیابی سیستم کنترل‌های داخلی	چهارم
گزارشگری نتایج و یافته ها	پنجم
پیگیری نارسایی های مطرح شده	ششم

ج) تدوین و برگزاری دوره های آموزشی:

اجرای مستمر و اثر بخش فرآیند حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک در بانک علاوه بر وجود منابع ، دستور العمل ها و رهنمود های اجرایی، مستلزم وجود کارکنانی با مهارت و دارای صلاحیت فنی و نظری کافی و مناسب است. دستیابی به چنین شرایطی علاوه بر برگزاری دوره های آموزشی که بیشتر به بهبود و ارتقای سطح نظری شرکت کنندگان در حوزه های مورد تدریس منجر می شود ، نیازمند ارتقای سطح تجربی و مهارتی آنها می باشد. حداقل برنامه آموزشی که بتواند اهداف فوق را برای بانک محقق نماید به قرار ذیل خواهد بود.

عنوان	ردیف
آشنایی با مفاهیم سیستم کنترل‌های داخلی مطابق با چارچوب نظری منتشر شده از سوی COSO و سند انتشار یافته ۲ basel	۱
آئین رفتار حرفه ای، جایگاه حسابرسان داخلی و تعامل با سازمان	۲
کسب شناخت و برنامه ریزی	۳
مستند سازی فرآیندها	۴
آشنایی با مفاهیم ریسک و نحوه ارزیابی آن مطابق با چارچوب نظری ساختار مدیریت ریسک بنگاه (ERM) منتشر شده از سوی COSO و انتشار یافته از سوی انجمن اکچوئری انگلستان (CAS) و همچنین موارد مندرج در سند ۲ basel در این رابطه	۵
ارزیابی سیستم کنترل‌های داخلی با تاکید بر حوزه های پر ریسک	۶
گزارشگیری نتایج و یافته ها	۷
پیگیری نارسایی های مطرح شده	۸
جمع	

برگزاری این دوره های آموزشی در کنار اجرای هر یک از مراحل فرآیند حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک و با تاکید بر دستیابی به اهداف آموزشی می تواند زمینه مطلوبی را در جهت آماده سازی کارکنان به منظور افزایش سطوح مهارتی و نظری مربوطه و انجام فرآیند مذکور فراهم آورد.

۱. Basel committee on banking supervision (BCBS)

کمیته بال یا کمیته بازل: کمیته ای است متشکل از نمایندگان ارشد بانک های مرکزی تعدادی از کشورهای پیشرفته جهان که در شهر بازل سوییس تشکیل میشود و در امر نظارت بانکی فعالیت می کند.

۲. (Institute of Internal Auditors (IIA

انجمن حسابرسان داخلی: انجمن غیر دولتی که در سطح جهان استانداردهای بین المللی حسابرسی داخلی را تدوین می کند.

۳. (Committee on sponsoring organization of the tread way commission(COSO

کمیته سازمانهای حامی (کوزو): سازمانی است که در سال ۱۹۸۵ برای حمایت از کمیسیون ملی برای پیشگیری از گزارشگری مالی متقلبانه تشکیل شده است و نسبت به تهیه چارچوبهای کنترل داخلی برای شرکت ها اقدام می نماید.

۴. (Price, waterhouse and coopers (PWC

موسسه حسابرسی پرایس، واترهاوس و کوپرز: این موسسه آخرین تغییرات COSO را مشارکت و هدایت کرده است.

اصول کمیته بازل درباره فعالیت حسابرسی داخلی در بانکها :

مقدمه

کمیته نظارت بر بانکداری بازل در سال ۲۰۱۲، این راهنمای نظارتی تغییر یافته را برای ارزیابی اثربخشی فعالیت حسابرسی داخلی در بانکها تهیه کرده است که بخشی از تلاشهای دائمی کمیته برای نشان دادن موضوعات نظارتی بانک و ارتقاء نظارت از طریق راهنمایی است که شیوههای درست در بانکها را تشویق می کند. این سند جایگزین سند سال ۲۰۰۱ تحت عنوان «حسابرسی داخلی در بانکها و رابطه ناظر با حسابرسان» می شود. به طوری که، توسعهها در شیوههای نظارتی و در تشکیلات بانکداری را در نظر گرفته و درسهای برگرفته از بحران مالی اخیر را یکی می کند. لازم به توضیح است که این راهنما ارتباط تنگاتنگی با اصل ۲۶ از «اصول ۲۹ گانه برای نظارت بانکی موثر» ارایه شده توسط کمیته نظارت بر بانکداری بازل در سال ۲۰۱۲ و ترجمه و ابلاغ شده در اسفندماه ۱۳۹۳ توسط اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دارد. اصول کمیته برای ارتقاء نظام راهبری شرکت بیان می کند که بانکها باید یک فعالیت حسابرسی داخلی داشته باشند که دارای اختیار، مقام، استقلال، منابع و دسترسی مکفی به هیئت مدیره باشد. حسابرسان داخلی مستقل، شایسته و واجد شرایط لازم برای نظام راهبری شرکت درست ضروری هستند.

یک سیستم کنترل داخلی قوی دربرگیرنده یک فعالیت حسابرسی داخلی مستقل و مؤثر به عنوان بخشی از یک نظام راهبری شرکتی درست است. ناظران بانکداری لازم است تا نسبت به اثربخشی فعالیت حسابرسی داخلی بانک قانع شوند، بدین معنی که سیاستها و شیوهها دنبال می شوند و اینکه مدیریت اقدام اصلاحی مناسب و به موقعی را در واکنش به نقاط ضعف کنترل داخلی شناسایی شده توسط حسابرسان داخلی در نظر می گیرد. فعالیت حسابرسی داخلی، اطمینان بخشی لازم را در خصوص کیفیت سیستم کنترل داخلی بانک برای هیئت مدیره و مدیریت ارشد (و ناظران بانک) فراهم می کند. بدین صورت، این فعالیت به کاهش ریسک خسارتی و آسیب دیدن اعتبار بانک کمک می کند.

این مقاله، انتظارات نظارتی از فعالیت حسابرسی داخلی در تشکیلات بانکداری، رابطه مرجع نظارتی با فعالیت حسابرسی داخلی و ارزیابی نظارتی آن فعالیت را نشان می دهد. این مقاله در پی ترویج یک فعالیت حسابرسی داخلی قوی درون تشکیلات بانکداری و مهیاسازی راهنمایی برای ارزیابی نظارتی این فعالیت است.

به علاوه، این مقاله، حسابرسان داخلی بانک را تشویق می کند تا در توسعه و تطابق با استانداردهای ملی و بین المللی همچون مواردی که توسط انجمن حسابرسان داخلی ارایه شده است، مشارکت کنند. زیرا این کار می تواند توجه درست به موضوعهای احتیاطی در تدوین استانداردها و شیوههای حسابرسی داخلی را ارتقاء دهد.

این مقاله به ساختار مدیریتی متشکل از هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد نسبت داده می‌شود. کمیته تشخیص داد که تفاوت‌های قابل توجهی در چارچوب‌های قانون و مقرراتی بین کشورها وجود دارد. این چارچوب‌های ملی نقش و وظیفه مدیریت و ساختارهای نظام راهبری را شکل می‌دهند. در برخی کشورها، هیئت‌مدیره مهم است، اما انحصاری نیست. یعنی وظیفه نظارت بر هیئت اجرایی اغلب به مدیریت ارشد ارجاع داده می‌شود و اطمینان حاصل می‌کند که مسئولیت‌هایش را انجام می‌دهد. به این دلیل، گاهی اوقات یک هیئت نظارتی تعیین می‌شود که هیچ وظیفه اجرایی ندارد. در مقابل، در دیگر کشورها، هیئت‌مدیره آزادی عمل گسترده‌تری دارد که چارچوبی عمومی را برای مدیریت بانک وضع می‌کند. به دلیل این تفاوت‌ها، مفاهیم هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد که در این مقاله استفاده می‌شوند، ساختارهای قانونی را مشخص نکرده است. بلکه دو وظیفه تصمیم‌گیری را درون یک بانک برچسب می‌زنند. اصول ارائه‌شده در این مقاله باید در تطابق با ساختارهای قانونی و نظام راهبری شرکت قابل اجرا در هر کشور به کار گرفته شوند.

در بانک‌های بزرگ و بانک‌های فعال بین‌المللی، کمیته حسابرسی معمولاً کار نظارت بر حساب‌برسان داخلی بانک را انجام می‌دهد. چنین کمیته‌ای در هیئت‌مدیره ایجاد می‌شود. این مقاله، همراستا با اصول‌های کمیته برای ارتقاء نظام راهبری شرکت فرض می‌کند که بانک‌های بزرگ و فعال بین‌المللی یک کمیته حسابرسی یا معادل آن را دارا هستند. سایر بانک‌ها نیز به شدت جهت‌پرایی چنین کمیته‌ای تشویق می‌شوند.

این راهنما برای تمام بانک‌ها شامل آن‌هایی که در یک گروه بانکداری هستند و برای شرکت‌هایی هولدینگی که شرکت‌های تابعه آنها عمدتاً بانک‌ها هستند و برای شرکت‌هایی هولدینگی تابع نظارت احتیاطی که شرکت‌های تابعه آنها عمدتاً بانک‌ها هستند، به کار برده می‌شود. در این مقاله، تمام این ساختارها تحت‌عنوان بانک‌ها و تشکیلات بانکداری ارجاع داده می‌شوند. وسعت به کارگیری این راهنما باید متناسب با اهمیت، پیچیدگی و حضور بین‌المللی بانک (اصل تناسب) باشد. در ادامه این مقاله قصد داریم ۲۰ اصل تدوین شده توسط کمیته بازل در خصوص فعالیت حسابرسی داخلی در بانک‌ها را در قالب سه بخش توصیف کنیم.

مرور اصول

الف. اصولی در رابطه با انتظارات نظارتی مربوط به فعالیت حسابرسی داخلی

اصل ۱: یک فعالیت حسابرسی داخلی موثر، اطمینان مستقلاً را در خصوص کیفیت و اثربخشی کنترل داخلی، مدیریت ریسک و سیستم‌ها و فرایندهای نظام راهبری فراهم می‌کند که بدین وسیله به هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد در حفاظت از سازمان و شهرت آن کمک می‌کند.

اصل ۲: فعالیت حسابرسی داخلی بانک لازم است تا مستقل از فعالیت‌های حسابرسی شده باشد که نیاز به این دارد که فعالیت حسابرسی داخلی در بانک اعتبار و اختیار کافی داشته باشد که در نتیجه حساب‌برسان داخلی را در انجام بی‌طرفانه تکالیفشان توانمند می‌کند.

اصل ۳: برای هر حساب‌برسان داخلی و حساب‌برسان داخلی به صورت جمعی دارا بودن صلاحیت حرفه‌ای شامل دانش و تجربه به منظور اثربخش بودن فعالیت حسابرسی داخلی بانک ضروری است.

اصل ۴: حساب‌برسان داخلی لازم است که به صورت یکپارچه (بی‌عیب) عمل کنند.

اصل ۵: هر بانک باید یک منشور حسابرسی داخلی داشته باشد که مقصود، اعتبار و اختیار فعالیت حسابرسی داخلی درون بانک را به صورت بند به بند بیان کند که فعالیت مؤثر حسابرسی داخلی را همانطور که در اصل یک تشریح شده تبلیغ کند.

اصل ۶: هر فعالیت (شامل فعالیت‌های برون‌سپاری شده) و هر نهاد از بانک باید در دامنه کلی رسیدگی فعالیت حسابرسی داخلی قرار بگیرد.

اصل ۷: دامنه رسیدگی فعالیت‌های فعالیت حسابرسی داخلی باید پوشش مناسب موضوعات مقرر مورد نظر در برنامه حسابرسی را تضمین کند.

اصل ۸: زمانی که بانک درون یک گروه بانکداری یا یک شرکت هولدینگ است، هر بانک باید یک فعالیت حسابرسی داخلی دائمی داشته باشد که سازگار با اصل ۱۴ پایه‌ریزی شده باشد.

اصل ۹: هیئت‌مدیره بانک مسئولیت نهایی برای حصول اطمینان از این موضوع را دارد که مدیریت ارشد یک سیستم کنترل داخلی کافی، کارا و اثربخش را راه‌اندازی و حفظ می‌کند و بر طبق آن، هیئت‌مدیره باید فعالیت حسابرسی داخلی را در انجام مؤثر وظایفش پشتیبانی کند.

اصل ۱۰: کمیته حسابرسی یا مشابه آن باید بر فعالیت حسابرسی داخلی بانک نظارت کند.

اصل ۱۱: رئیس بخش حسابرسی داخلی باید مسئول حصول اطمینان از این موضوع باشد که بخش با استانداردهای حسابرسی داخلی درست و با ضوابط اخلاقی مرتبط مطابقت دارد.

اصل ۱۲: فعالیت حسابرسی داخلی در خصوص تمام موضوع‌های مرتبط با عملکرد متعهد شده‌اش باید همان‌طور که در منشور حسابرسی داخلی تشریح شده به هیئت‌مدیره یا کمیته حسابرسی آن قابل توضیح باشد.

اصل ۱۳: فعالیت حسابرسی داخلی باید به صورت مستقل اثربخشی و کارایی کنترل داخلی، مدیریت ریسک و سیستم‌ها و فرایندهای نظام راهبری ایجاد شده به وسیله واحدهای کسب‌وکار را ارزیابی کرده، کارها را پشتیبانی کرده و اطمینان‌بخشی را در خصوص این سیستم‌ها و فرایندها فراهم کند.

اصل ۱۴: برای کمک به به‌کارگیری رویکردی همسان در خصوص حسابرسی داخلی در میان تمام بانک‌ها درون تشکیلات بانکداری، هیئت‌مدیره هر بانک در یک گروه بانکداری یا ساختار شرکت هولدینگ باید اطمینان حاصل کند که:

۱- بانک فعالیت حسابرسی داخلی خودش را دارد که باید به هیئت‌مدیره بانک قابل توضیح باشد و به گروه بانکداری یا رئیس حسابرسی داخلی شرکت هولدینگ گزارش شود. یا

۲- فعالیت حسابرسی داخلی شرکت هولدینگ یا گروه بانکداری، انجام فعالیت‌های حسابرسی داخلی دامنه رسیدگی کافی در بانک جهت توانمندسازی هیئت‌مدیره برای اداء مسئولیت‌های قانونی و اطمینان‌بخشی‌اش است.

اصل ۱۵: صرف‌نظر از اینکه چه فعالیت‌هایی از حسابرسی داخلی برون‌سپاری می‌شوند، دست آخر هیئت‌مدیره مسئول فعالیت حسابرسی داخلی باقی می‌ماند.

ب. یک اصل در رابطه با ارتباط مرجع نظارتی با فعالیت حسابرسی داخلی

اصل ۱۶: ناظران باید ارتباطات منظمی با حساب‌رسان داخلی بانک برای

۱- بحث در خصوص حوزه‌های ریسک شناسایی شده توسط هر دو بخش

۲- درک شاخص‌های کاهش ریسک به کار گرفته شده توسط بانک

۳- درک نقاط ضعف شناسایی شده و پایش پاسخ‌های بانک به این نقاط ضعف داشته باشند.

ج. اصولی در رابطه با ارزیابی نظارتی در خصوص فعالیت حسابرسی داخلی

اصل ۱۷: ناظران بانکی باید به طور منظم ارزیابی نمایند که آیا فعالیت حسابرسی داخلی درون بانک، اعتبار و اختیار کافی را دارد و بر طبق اصول درست عمل می‌کند.

اصل ۱۸: ناظران باید تمام نقاط ضعفی را که آن‌ها در فعالیت حسابرسی داخلی شناسایی کرده‌اند، به صورت رسمی به هیئت‌مدیره گزارش داده و اقدامات اصلاحی به موقع ضرورت دارد.

اصل ۱۹: مرجع نظارتی باید اثر ارزیابی‌اش از فعالیت حسابرسی داخلی را روی سنجشش از پروفایل ریسک بانک و روی کار نظارتی خودش ملاحظه کند.

اصل ۲۰: مرجع نظارتی باید جهت اتخاذ اقدامات نظارتی رسمی و غیررسمی مورد نیاز هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد جهت رفع هرگونه معایب شناسایی شده مرتبط با فعالیت حسابرسی داخلی در یک چارچوب زمانی مشخص آماده بوده و نظارتی همراه با گزارش‌های پیشرفت دوره‌ای مکتوب را فراهم کنند.

خلاصه منشور فعالیت حسابرسی :

مقدمه

در راستای استقرار نظام راهبری شرکتی در بانک تجارت با توجه به بخشنامه های شماره مب ۳۲۴۴ مورخ ۰۳-۰۸-۱۳۸۶ و ۹۳/۱۵۸۴۶۵ مورخ ۱۲-۰۶-۱۳۹۳ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای ماده ۱۰ دستورالعمل کنترل های داخلی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، منشور فعالیت حسابرسی داخلی بانک در تاریخ ۰۴-۰۹-۱۳۹۳ شامل ۲۰ ماده و ۶ تبصره به تصویب هیأت مدیره رسید و از تاریخ تصویب لازم الاجرا است.

هدف، جایگاه سازمانی و دامنه

حسابرسی داخلی فعالیت اطمینان بخشی و مشاوره ای مستقل و بی طرفانه است که به منظور ایجاد ارزش افزوده و بهبود عملیات طراحی می شود. حسابرسی داخلی با اتخاذ رویکردی منظم و سیستماتیک برای ارزیابی و بهبود اثربخشی فرآیندهای راهبری، مدیریت ریسک و کنترل های داخلی جهت دستیابی به اهداف بانک کمک می کند. به منظور حفظ استقلال و بی طرفی، حسابرسان داخلی از جایگاه سازمانی مناسب و توانایی کار کردن بر طبق استانداردهای حرفه ای برخوردار خواهند بود. به منظور حفظ و ارتقای استقلال حرفه ای، اختیارات اجرایی واحد حسابرسی داخلی مستقیماً از سوی هیأت مدیره، کمیته حسابرسی یا مدیرعامل بانک به آن واحد تفویض می شود. هیأت مدیره در راستای انجام وظایف حرفه ای و در چارچوب مسئولیت های واحد حسابرسی داخلی از لحاظ دسترسی آزادانه و بدون محدودیت به اسناد و مدارک، کارکنان، فرآیندها و فعالیت های بانک به واحد حسابرسی داخلی اختیار کامل اعطا می کند. هرگونه ممانعت از اعمال این اختیارات در راستای انجام وظایف، در صورت ناموجه بودن، تخلف محسوب می شود.

هیأت مدیره کلیه کارکنان را در قبال ارائه به موقع اسناد، مدارک و اطلاعات درست به حسابرسی داخلی موظف و پاسخگو می داند. همچنین حسابرسان داخلی نیز باید اطلاعات، اسناد و مدارکی که بنا به موقعیت کاری به آنها دسترسی پیدا کرده اند، را کاملاً محرمانه تلقی کنند و الزامات رازداری، ضوابط، مقررات و قوانین حاکم در محل مأموریت خود را رعایت کنند. دامنه حسابرسی داخلی تمامی فعالیت ها، ریسک های بانک و فعالیت های برون سپاری را در برمی گیرد.

مأموریت

مأموریت اصلی برنامه ریزی شده واحد حسابرسی داخلی، ارزیابی سیستم کنترل داخلی بانک از نقطه نظر طراحی، کاربرد مناسب و اثربخشی آن در حوزه های مختلف به شرح زیر می باشد:

- ارزیابی کنترل های داخلی؛
- حسابرسی عملیاتی؛
- حسابرسی مدیریت؛

گزارش دهی

- نکات مندرج در پیش نویس گزارش های حسابرسی داخلی با مدیر یا مدیران مربوطه در میان گذاشته شده و نسخه ای از آن به مدیرعامل ارائه می شود.
- ارسال گزارش نهایی حسابرسی داخلی به واحدهای ذیربط منوط به بررسی آن توسط کمیته حسابرسی خواهد بود.
- صورت خلاصه ای از مأموریت حسابرسی و پیگیری اقدامات اصلاحی به کمیته ارائه شده و از طریق کمیته به مدیرعامل و هیأت مدیره بانک ارسال خواهد شد.

مسئولیت ها

- تدوین برنامه انعطاف پذیر سالانه حسابرسی داخلی و پیشنهاد آن به کمیته حسابرسی جهت بررسی و تأیید؛
- انجام برنامه سالانه مصوب شامل هرگونه وظایف و پروژه های مورد درخواست هیأت مدیره، مدیرعامل و کمیته حسابرسی؛
- ارائه گزارش های مربوط به رسیدگی های برنامه ریزی شده به مدیرعامل، کمیته حسابرسی و هیأت مدیره؛
- همکاری و برقراری ارتباط با حسابرسان مستقل به منظور انجام حسابرسی بهینه بانک.

خلاصه منشور کمیته حسابرسی :

مقدمه

در راستای استقرار نظام راهبری شرکتی در بانک تجارت با توجه به بخشنامه شماره م/۳۲۴۴ مورخ ۰۳-۰۸-۱۳۸۶ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای ماده ۱۰ دستورالعمل کنترل های داخلی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، منشور کمیته حسابرسی بانک شامل ۲۴ ماده و یک تبصره در تاریخ ۰۴-۰۹-۱۳۹۳ به تصویب هیأت مدیره رسید و از تاریخ تصویب لازم الاجرا می باشد.

هدف

کمیته حسابرسی بانک برای کمک به هیأت مدیره در جهت تحقق مسئولیت های نظارتی وی در ارتباط با فرآیند گزارشگری مالی، نظام کنترل های داخلی، فرآیند حسابرسی و فرآیندهای بانک در پایش رعایت قوانین، مقررات و قواعد اخلاقی تشکیل شده و زیر نظر هیأت مدیره فعالیت می کند.

اختیارات

- استفاده از خدمات مشاوران و کارشناسان در انجام وظایف خود؛
- دسترسی آزادانه به مدیران، مشاوران، کارکنان و حسابرسان مستقل بانک؛
- تأیید اولیه خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی ارجاع شده به سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی.

جلسات و گزارش دهی

- برگزاری حداقل یک جلسه در ماه (جلسات عادی)؛
- تصویب تقویم زمان برگزاری جلسات عادی کمیته هر ۶ ماه یکبار؛
- برگزاری جلسات اختصاصی با حسابرسان مستقل، حداقل ۲ بار در هر سال مالی؛
- تصویب برنامه سالانه کمیته در اولین جلسه هر سال؛
- برگزاری جلسه اختصاصی با هیأت مدیره، حداقل سالی یکبار جهت ارائه گزارش عملکرد کمیته و حسب مورد، پیشنهادهای مربوط به بهبود وضعیت حوزه های تحت نظارت کمیته؛

مسئولیت ها

الف- گزارشگری مالی

- بررسی مسائل قابل ملاحظه حسابداری و گزارشگری مالی؛
- بررسی پیش نویس صورتهای مالی میان دوره ای و سالانه قبل از تصویب در هیأت مدیره؛
- بررسی جدول زمان بندی پیشنهادی امور مالی در ارتباط با انتشار گزارش های مالی، به منظور حصول اطمینان از انتشار به موقع آنها؛
- بررسی پیشنهادهای حسابرسان داخلی و مستقل در ارتباط با فرآیند گزارشگری مالی؛
- حصول اطمینان از انتشار به موقع و کیفیت مناسب گزارشگری مالی شرکت های فرعی بانک.

ب- کنترل داخلی

- کسب اطمینان نسبت به اثربخشی سیستم کنترل داخلی و مدیریت ریسک؛
- بررسی پیش نویس گزارش کنترل های داخلی تهیه شده توسط حسابرسی داخلی و ارائه گزارش به هیأت مدیره جهت تصویب؛
- بازبینی گزارش های صادره توسط حسابرسان داخلی مشتمل بر اهم یافته ها و توصیه ها در ارتباط با مدیریت ریسک و کنترل های حاکم بر گزارشگری مالی، همچنین اقدامات و پاسخ های مدیریت در خصوص یافته های مذکور؛
- بازبینی گزارش های حسابرسان مستقل در خصوص کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی؛
- اعمال نظارت کلان بر کنترل های داخلی شرکت های فرعی.

ج- حسابرسی داخلی

- بررسی منشور و ساختار سازمانی حسابرسی داخلی و آیین نامه های مربوطه؛
- بررسی گزارش های حسابرسی داخلی در ارتباط با مأموریت های انجام شده مطابق برنامه های مصوب و سایر مأموریت های خاص ارجاعی و ارسال گزارش های مذکور به هیأت مدیره پس از تایید آنها؛
- پیشنهاد انتصاب، جایگزینی و یا برکناری رئیس حسابرسی داخلی همچنین بررسی صلاحیت های وی و کارکنان واحد؛
- حصول اطمینان از عدم وجود محدودیت های غیرمنطقی برای فعالیت واحد حسابرسی داخلی؛
- نظارت بر انعقاد قراردادهای برون سپاری فعالیت های حسابرسی داخلی؛
- نظارت کلی بر حسابرسی داخلی شرکت های فرعی.

د- حسابرس مستقل

- ارزیابی عملکرد حسابرسان مستقل و ارائه پیشنهاد به هیأت مدیره در خصوص ابقاء یا جایگزینی آنها؛
- برگزاری جلسات اختصاصی با حسابرسان مستقل در خصوص برنامه ریزی کلی، راهبرد حسابرسی و ...؛
- تنظیم و برقراری روابط حسابرسان مستقل و داخلی در راستای اجرای استانداردهای حسابداری؛
- انجام پیگیری های لازم جهت رفع ایرادات مندرج در گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی و ارائه نتایج این پیگیری ها به هیأت مدیره؛
- ایجاد امکان دسترسی آزاد حسابرس مستقل به کمیته.
- حصول اطمینان از رعایت کلیه قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت های بانک سایر مسئولیت ها
- ارزیابی عملکرد کمیته اعم از فردی و جمعی؛
- تعامل با سایر کمیته ها بویژه کمیته ریسک؛
- بازنگری منشور کمیته حسابرسی حداقل سالی یکبار.

نقش حسابرسی داخلی در بانکها

از زمان طرح ایده «راهبرد و تدبیر اداره شرکتها» که در ایران به نام حاکمیت شرکتی خوانده می شود، بحث های زیادی پیرامون نقش حسابرسی داخلی مطرح شده بنابراین شاید ارائه یک تعریف جامع از حسابرسی داخلی بتواند راهگشای بحث باشد.

در کلی ترین تعریف، «بررسی و ارزیابی مستقل فعالیت های یک سازمان در چارچوب ضوابطی معین توسط تعدادی از کارکنان واحد حسابرسی یا افراد حرفه ای، حسابرسی داخلی نامیده می شود. در واقع حسابرسی داخلی، ارزیابی مستقلی است که توسط مدیریت بانک یا یک بنگاه اقتصادی برای بررسی سیستم کنترل داخلی، انجام می شود.» حسابرسی داخلی کفایت سیستم کنترل داخلی را از لحاظ اثر بخش و کارآمد بودن و استفاده از منابع سازمان ارزیابی و گزارش می کند. حسابرسی داخلی به طور سنتی بخشی از سیستم کنترل داخلی شمرده می شود که از طریق بررسی و ارزیابی کنترل های داخلی به مدیریت واحدهای اقتصادی در ایفای وظایف خودشان کمک می کند. اما همزمان با مطرح شدن ایده جدید «نظام راهبری بنگاه» یا «راهبری سازمان» در ادبیات مدیریت، تحولی در دهه اخیر در حسابرسی داخلی اتفاق افتاد. در همین چارچوب حسابرسی داخلی بخشی جدایی ناپذیر از نظام «راهبری سازمان» به شمار می رود. راهبری سازمان مکانیزمی است که وظیفه هدایت و کنترل سازمان را به سمت هدف های خود «خلق ارزش برای شرکت» بر عهده دارد. اجزای نظام راهبری سازمان شامل هیات مدیره، کمیته حسابرسی، مدیریت ارشد، حسابرسان مستقل، حسابرسان داخلی و ارگان های نظارتی است. ارزیابی عملکرد حسابرسی داخلی باید توسط کمیته حسابرسی و در نبود آن توسط هیات مدیره بانک یا بنگاه با مقایسه منابع مصرف شده با بازده حاصل از آن انجام شود. انجمن حسابرسان داخلی (IIA) حسابرسی داخلی را «یک فعالیت اطمینان بخش و مشاوره ای مستقل و بی طرف می داند که با هدف ارزش افزایی و بهبود عملیات سازمان انجام می شود. حسابرسی داخلی با به کارگیری شیوه ای اصولی و نظام مند برای ارزیابی و بهبود اثر بخشی فرآیندهای حاکمیت، مدیریت ریسک سازمان را در دستیابی به اهداف یاری می کند. حسابرسان داخلی باید از دانش، توانایی ها و سایر ویژگی های حرفه ای برای ایفای مسوولیت های فردی خویش برخوردار باشند. همین انجمن معتقد است: دانش، توانایی ها و سایر ویژگی های حرفه ای، یک اصطلاح کلی است و به مفهوم کارآزمودگی حرفه ای مورد نیاز حسابرسان داخلی برای انجام موثر مسوولیت های حرفه ای است. استاندارد ۱۲۰۰ انجمن حسابرسان داخلی، در مورد کارآزمودگی و دقت حرفه ای حسابرسان داخلی بیان می دارد: «حسابرسان داخلی باید دانش کافی برای ارزیابی ریسک تقلب و ارزیابی مدیریت آن در

سازمان را داشته باشند، ولی انتظار نمی‌رود که دانش آنان به اندازه دانش کسانی باشد که مسوولیت اصلی جست‌وجو و کشف تقلب بر عهده آنها است. از طرف دیگر حسابرسان داخلی باید از دانش کافی در مورد ریسک‌های مهم فن‌آوری اطلاعات و کنترل‌ها و نرم‌افزارهای حسابرسی داخلی برای اجرای وظایف محول برخوردار باشند. با چنین تعریفی به نظر می‌رسد در صورت استقرار «حسابرسی داخلی» و انجام درست وظایف آن بتوان بر بسیاری از مشکلاتی که بانک‌های کشور با آن مواجه شده‌اند غلبه کرد و آنان را از آسیب‌های بعدی مصون نگهداشت.

اهداف و دامنه حسابرسی داخلی در بانک‌ها طبق تعریف حسابرسی داخلی و اصول شماره (یک و سه) کمیته بال هدف حسابرسی داخلی بانک‌ها عبارت از ارزیابی بانک از نظر مکانیسم کنترل‌های داخلی، نشان دادن عدم کارایی و مخاطرات ناشی از آنها، پیشنهاد کنترل‌های داخلی مناسب با توجه به تغییر شرایط و بررسی سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت و مالی است. هر چند که دامنه حسابرسی داخلی در بانک‌ها بیشتر معطوف به جنبه‌های مالی شده اما بر طبق تعریف، حسابرسی شامل تمامی جنبه‌های کنترل داخلی اعم از مالی و غیرمالی می‌شود. البته کمیته بال هم در اصل نهم از اصول هجده‌گانه خود بیان می‌کند: «تمامی فعالیت‌ها و واحدهای بانک باید زیر پوشش حوزه حسابرسی داخلی باشند.» از طرف دیگر حسابرسی داخلی بخشی از سیستم کنترل داخلی محسوب می‌شود که وظیفه آن، اظهارنظر و ارزیابی مستقل و بی‌طرفانه‌ای از مناسب بودن یا نبودن سطح رعایت رویه‌ها، سیاست‌ها، قوانین و مقررات داخلی است. به همین علت کمیته بال مقرر کرده که حسابرسی داخلی بانک باید دائمی بوده و اهمیت کار این واحد بستگی به میزان استقلال و بی‌طرفی آن دارد. انجمن حسابرسان داخلی تاکید دارد که بنیاد کار حسابرسی داخلی بر خودآزمایی کنترل (CSA-Control Self Assessment) قرار گیرد. خودآزمایی کنترل یک ابزار موثر و کارآمد برای پیشبرد کنترل‌های داخلی تجارت و فرآیندهای مربوطه است.

CSA می‌تواند در زمینه‌های مختلفی در بانک یا هر بنگاه اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد اما خصیصه و ویژگی مهمی که کاربرد آن را متمایز می‌کند این است که ارزیابی مخاطره‌ها و همچنین کنترل داخلی به وسیله کارکنان اجرایی و مدیران سطح پایینی بانک که در حوزه‌های در حال حسابرسی فعالیت می‌کنند، انجام می‌گیرد.

فعالیت‌های CSA پتانسیل لازم را برای بهبود کارایی و سودمندی حسابرسی صورت‌های مالی مستقل در پاسخگویی به تقاضاهای متعدد حسابرسان مستقل دارد. هنگامی که حسابرسان مستقل توانایی بهره‌مند شدن از این فعالیت‌ها را دارند، شواهد اندکی نشان‌دهنده گستردگی دامنه سود جستن آنان از این بهره‌مندی‌هاست. محققان، کاربردهای CSA توسط حسابرسان مستقل و همچنین نقطه نظرها و عقاید موجود درباره تعامل حسابرسی مستقل با فعالیت‌های CSA را مورد بررسی قرار داده‌اند. عنوان فرآیندی کلی که در آن اقدام به اندازه‌گیری و آزمایش اثر بخشی کنترل داخلی با هدف به دست آمدن اطمینان معقول در خصوص نیل به کل اهداف تجاری می‌شود، تعریف می‌کند. کارکنانی که فعالیت‌های CSA را انجام می‌دهند، بیشتر از مدیران سطح بالایی که مسوول سیستم کنترل‌های داخلی هستند، در حوزه‌ای که در حال آزمایش و بررسی است حضور دارند. این کارکنان گنجینه‌ای از اطلاعات حیاتی در مورد کنترل‌های داخلی و سوء استفاده‌های احتمالی (اگر وجود داشته باشد) دارند. هنگامی که حسابرسان داخلی (یا مستقل) بتوانند با ابتکار عمل CSA تعامل و ارتباط برقرار کنند، فرآیند ارزیابی را خاص خود نکرده و ارزشیابی و اندازه‌گیری از خود به وجود نمی‌آورند. متداول‌ترین روش برای اجرای فعالیت‌های CSA جلسات تیم تسهیل شده و تحقیق و بررسی‌های کارشناسانه است.

جایگاه سازمانی واحد حسابرسی داخلی

کمیتته بال تاکید و توصیه دارد که در آیین‌نامه‌های داخلی باید مسوولیت‌ها و وظایف واحد حسابرسی داخلی به روشنی تعیین و اختیارات لازم برای کارکنان واحد حسابرسی داخلی پیش‌بینی شود تا آنها بتوانند به تمامی مدارک، دارایی‌ها، پرونده کارکنان و مدیران سازمان که برای انجام وظایف و مسوولیت‌های خود ضروری تشخیص می‌دهند دسترسی نامحدود داشته باشند. به این ترتیب جایگاه کارکنان حسابرسی داخلی باید به گونه‌ای باشد که بتوانند به طور اثربخش عمل کنند. مدیران ارشد بانک‌ها یا بنگاه‌های اقتصادی وظیفه دارند موقعیت و جایگاه کارکنان واحد حسابرسی داخلی را از لحاظ ساختار سازمانی به طریقی مد نظر و مورد حمایت جدی قرار دهند که استقلال حرفه‌ای واحد حسابرسی داخلی که عامل تعیین‌کننده اثربخشی آن است، حفظ شود. فرآیند کنترل داخلی که حسابرسی داخلی را به عنوان یکی از عناصر آن نام می‌بریم کل سازمان را زیر نظر دارد به همین دلیل حسابرسی داخلی باید بنا بر قاعده به بالاترین مقام سازمان متصل باشد.

حسابرس داخلی از نظر جایگاه در یک سازمان باید به بالاترین نقطه یعنی هیات مدیره متصل باشد و امکان دسترسی به تمام واحدهای سازمان را داشته باشد و در هر زمانی که احساس خطر یا انحراف در هر یک از موضوعات جزو وظایفش پیدا کرد، باید بتواند به سرعت به جایگاه بالا دسترسی پیدا کند و گزارش و اطلاعاتش را به آن برساند. در ایران حسابرسی داخلی هنوز به صورت یک امر جدی مورد توجه قرار نگرفته و اگر هم واحدی به نام حسابرسی داخلی یا بازرسی در بانک‌ها و یا سازمان‌ها وجود دارد چیزی به جز یک اسم تشریفاتی نیست؛ زیرا در حال حاضر، مدیران آن نیازی ندارند که حتی به سهامداران حساب و جواب پس بدهند و نه کسی هم از آنان جوابی می‌خواهد. تا زمانی که این فرهنگ وجود داشته باشد، حسابرسی داخلی معنی پیدا نخواهد کرد و هزینه حسابرسی داخلی «هزینه‌ای فاقد منفعت و هدر رفته به شمار می‌رود. اما اگر حساب‌خواهی و حسابدگی به شکل فرهنگ مسلط بر عملکرد مدیران درآمد، حسابرسی داخلی اهمیت خود را باز خواهد یافت. محیط سالم، محیط حسابخواهی و محیط حسابدگی خود به خود بستر مناسب فرهنگی لازم را برای حسابرسی داخلی اثربخش، کارا و مفید فراهم می‌سازد. در همین راستا هیات استانداردهای حسابرسی داخلی، چارچوب استانداردها و رهنمودهای حرفه‌ای متناسب با تعریف جدید را در دست تدوین دارد. همچنین در ساختار سازمانی انجمن حسابرسان داخلی، سازوکارهایی در شرف تکوین است تا با بهره‌گیری از ایده‌های نو و نگرش وسیعتر، به تناسب وضعیت جدید، به تدوین مداوم استانداردها و ارائه رهنمودها بپردازد. از طرف انجمن نیز کمیته برنامه‌ریزی رهنمودها به ریاست معاون امور حرفه‌ای برای اطمینان‌یافتن از اقدام فعال انجمن در شناسایی و ایجاد تغییرات ضروری تشکیل شده است. امید است به این ترتیب حرفه حسابرسی داخلی به جایگاه شایسته خود که همانا اطمینان بخشی داخلی است، دست یابد.

حسابرسی داخلی در بانک‌ها و نقش بانک مرکزی

عصر بانک؛ امروزه با توجه به نوآوری‌های گسترده در عرصه بانکداری و به موازات آن بحران‌های مالی و بانکی، سیستم‌های نظارتی و مقررات مرتبط با آن در بانک را هم با چالش‌های ذیل روبه‌رو کرده است:

* قوانین و مقررات جدید و تاثیر بر عملیات بانک‌ها

* پیچیده‌تر شدن عملیات بانکی و در نتیجه دشوارتر شدن عملیات نظارت

* فناوری اطلاعات و مجازی شدن فرآیندها

* مدیریت ریسک و تاثیر آن بر امر نظارت

* تغییر رویکرد نظارت از کشف به جلوگیری

اقدام بانک مرکزی در راستای اصلاح روش نظارتی خود بر بانک‌های کشور از روش سنتی به نظارت مبتنی بر ریسک یک اقدام تحسین برانگیز است. متعاقب این تصمیم بانک مرکزی، تغییر در رویکرد نظارتی در بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری کشور از رویکرد بازرسی سنتی به حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. طی بررسی به عمل آمده در سیستم بانکی کشور در شرایط حاضر ساختار حسابرسی داخلی در بانک‌های ایران به سه شکل است:

دسته اول: برخی از بانک‌ها دارای واحد حسابرسی داخلی مستقل زیر نظر کمیته حسابرسی بوده و گزارش‌های خود را به هیات‌مدیره بانک ارائه می‌دهند.

دسته دوم: برخی از بانک‌ها دارای مدیریت حسابرسی و بازرسی بوده که واحد حسابرسی داخلی زیر نظر مدیر بازرسی فعالیت کرده و گزارش‌های خود را به مدیرعامل یا مدیر امور ناظر بر بازرسی ارائه می‌دهند.

دسته سوم: فاقد واحد حسابرسی داخلی بوده و فقط دارای بازرسی می‌باشند.

ضرورت ایجاد و تقویت جایگاه و استقلال حرفه‌ای حسابرسی داخلی در بانک‌ها

با توجه به نقش ارزنده‌ای که حسابرسی داخلی در ارکان راهبری شرکتی، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی به‌ویژه در بانک‌ها دارد و دامنه فعالیت حسابرسان داخلی در بانک‌ها بر خلاف بازرسی که فقط قوانین و مقررات (اهداف رعایتی) را بررسی می‌نماید، شامل بررسی اثربخش و کارآیی عملیات (اهداف رعایتی)، گزارشگری صورت‌های مالی (اهداف گزارشگری) و رعایت قوانین و مقررات (اهداف رعایتی) نیز می‌شود. با توجه به اهمیت حسابرسی داخلی در بانک‌ها باید حسابرسان داخلی بانک‌ها از قابلیت حرفه‌ای کافی و جایگاه و استقلال مناسب برخوردار باشند تا قادر به رسیدگی کلیه حوزه‌های فعالیت بانکی باشند و با تغییر نقش خود از بررسی بخش‌های مالی با ارائه خدمات اطمینان بخشی و مشاوره‌ای نقش ارزنده‌ای در راهبری شرکتی، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی بانک‌ها داشته باشند.

نقش حسابرسی داخلی بانک‌ها در راستای نظارت ناظرین بانک مرکزی

مطابق رهنمود کنترل‌های داخلی توسط کمیته بال، کلیه ناظران بانکی باید کار واحدهای حسابرسی بانک‌های تحت نظارت خود را ارزیابی کنند. این کار از طریق برگزاری جلسات دوره‌ای، ارزیابی‌های حضوری یا گزارش‌دهی به ناظران انجام می‌شود. به‌منظور تبادل نظر در مورد عملکرد واحد حسابرسی داخلی و یافته‌های آن بخش، به‌خصوص در زمینه‌هایی که ریسک قابل‌ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد، ناظران جلسات مشورتی با حسابرسان داخلی تشکیل دهند.

ناظران، گزارش‌های حسابرسی داخلی را به‌منظور شناسایی مشکلات کنترلی و زمینه‌های بالقوه ریسک بررسی می‌کنند. ایجاد یک واحد حسابرسی داخلی اثربخش و کارآ دارای استقلال و جایگاه حرفه‌ای در بانک‌های کشور علاوه‌بر کمک به مدیران ارشد بانک‌ها در راستای نظارت و نظام راهبری بانک به واحدهای نظارتی خارج از بانک مانند بانک مرکزی می‌تواند اطمینان دهد که

آیا بانک از یک سیستم کنترل داخلی اثربخش برخوردار است و همچنین بانک مرکزی را در راستای نظارت خود بر بانکها از جمله نحوه رعایت قوانین و مقررات بانک مرکزی توسط بانکها کمک خواهد کرد. ایجاد یک واحد حسابرسی داخلی اثربخش در بانکهای کشور بدون هماهنگی و حمایت بین سه گروه ذی‌نفع شامل هیات‌مدیره و مدیران ارشد بانکها به عنوان دریافت‌کننده خدمات حسابرسی داخلی، حسابرسان داخلی بانکها به عنوان ارائه‌دهنده خدمات حرفه‌ای حسابرسی داخلی و حمایت و الزام نهادهای نظارتی مانند بانک مرکزی و سازمان بورس اوراق بهادار به عنوان نهادهای ناظر و قانون‌گذار جهت استقرار حسابرسی داخلی در بانکها امکان‌پذیر نمی‌باشد.

جایگاه حسابرسی داخلی در بانکها

یکی از استانداردهای حسابرسی داخلی استقلال و بی‌طرفی است. این امر باعث سوءتفاهم‌هایی درباره‌ی جایگاه سازمانی و خطوط گزارشگری حسابرسی داخلی در ایران شده است. حسابرسی داخلی در سطح حرفه‌ای جزئی از تیم مدیریت است که محرک و سرآغاز تحول برای بهبود و افزایش کارایی و اثربخشی سامانه‌ها و فرآیندها است. این مستلزم ارتباطات سازنده و اثربخش با مدیران ارشد بانک و به‌ویژه مدیرعامل است. این‌گونه نباید تلقی شود که استقلال و بی‌طرفی به معنی جدایی حسابرسان داخلی از مدیریت و سازمان و برافراشتن پرچم جداگانگی است. حسابرسان داخلی باید از بین اندیشمندترین افراد سازمان انتخاب شوند که از بینش قوی، روابط عمومی و ارتباطات خوب، خویشتن‌داری، و البته دانش و تجربه‌ی کافی برخوردار باشند و درک درستی از موقعیت خود داشته باشند. در این کنگره خوشبختانه به سطوح قابلیت حسابرسی داخلی، ویژگی‌های حسابرسان داخلی، و دیگر موضوعات فنی پرداخته می‌شود. امیدوارم نتیجه‌ی مباحث به شناسایی الزامات و چالش‌های حرفه‌ای شدن حسابرسی داخلی در ایران بینجامد. بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر از این اقدامات سازنده و سودمند حمایت می‌کند و به عملی شدن آنها کمک خواهد کرد. ما در بازنگری ساختار بانک مرکزی نیز به استقرار نظام حسابرسی داخلی و نیز مدیریت ریسک در بانکها تأکید خواهیم داشت و الگوی مناسبی را ارائه خواهیم کرد. مطمئناً برکات و خیرات این اقدامات در قالب ارتقای سامت نظام اقتصادی، کاهش ریسک و هزینه‌ی مبادله، افزایش اعتماد و آرامش، و بهبود فضای کسب‌وکار ایران نمود خواهد یافت

اهمیت حسابرسی داخلی بانکها برای بانک مرکزی

شمار بانکها و مؤسسات اعتباری در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته است. از این‌رو، نظارت بر آنها مستلزم برخورداری از فناوری‌های نوین همچون ایکس.بی.آر.ال (که به‌طور گسترده در نظام نظارت بانکی آمریکا و اخیراً اروپا به کار می‌رود)، استقرار نظام کنترل‌های داخلی قوی و حسابرسی داخلی است. در دو سال گذشته استقرار واحد تطبیق در بانکها از سوی بانک مرکزی الزامی شد. البته این به‌تنهایی در مورد رعایت قوانین و ضوابط می‌تواند اطمینان دهد. از این‌رو، به نظر می‌رسد بانکها علاوه بر واحد بازرسی باید بخش مستقلی برای حسابرسی داخلی با کارکردهای نوین راه‌اندازی کنند. ارزیابی عملکرد درست واحد حسابرسی داخلی بانکها باید از سوی بازرسان بانک مرکزی صورت گیرد و از خدمات اطمینان بخشی و مشاوره‌های آنها استفاده شود. در این صورت است که می‌توان نظارت کافی و اثربخش بر همه‌ی بانکها و مؤسسات اعتباری اعمال کرد. امید است با توسعه‌ی حسابرسی داخلی در بانکها، پرورش نیروی انسانی شایسته، و افزایش دانش فنی حسابرسی شاهد افزایش سلامت بانکها باشیم.

اداره حسابرسی داخلی :

۱. تدوین برنامه سالانه برای حسابرسی واحدها (به صورت محرمانه) و ارسال گزارش نهایی لازم به مراجع ذی ربط بانک.
۲. انجام حسابرسی های دوره ای و موردی واحدها به منظور ارزیابی کفایت کنترل های داخلی در حفاظت از دارایی های بانک و اثر بخشی و کارایی عملیات و میزان قابلیت اعتماد و مربوط بودن اطلاعات آنها.
۳. ارائه پیشنهاد جهت بهبود فعالیت های کنترلی بر اساس ضوابط و مقررات مربوطه.
۴. بررسی و حصول اطمینان از وجود روش ها، دستورالعمل ها و مقررات لازم در فعالیت ها و فرآیندهای بانک و گزارش به واحدهای ذی ربط در صورت عدم وجود.
۵. بررسی رویه های حسابداری بانک و میزان رعایت استانداردهای حسابداری و سایر موازین مقرر توسط مراجع ذی صلاح.
۶. اتخاذ تدابیر لازم برای ارتقای کیفیت حسابرسی واحدها.
۷. بررسی و تحقیق در مورد موسسه های حسابرسی و رتبه بندی و احراز صلاحیت آنها به منظور ارجاع کار در صورت لزوم.
۸. برقراری ارتباط، تعامل و همکاری لازم با بازرسان و حسابرسان قانونی بانک و مراجع نظارتی سایر سازمان های ذی صلاح.
۹. هماهنگی های لازم جهت برگزاری جلسات کمیته حسابرسی داخلی، تهیه و پیگیری صورتجلسات کمیته و ارائه گزارش به کمیته مذکور.
۱۰. انجام اقدامات لازم در خصوص وظایف محوله پیرامون تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط.
۱۱. دریافت شکایت به صور مختلف (حضوری، کتبی و تلفنی) از مشتریان، واحدها و کارکنان بانکها و رسیدگی به شکایات به منظور پاسخگویی.
۱۲. برقراری ارتباط لازم و موثر با مراجع نظارتی برون سازمانی به منظور ایفای وظایف قانونی.
۱۳. بررسی مکاتبات دریافتی از سامانه ملی رسیدگی به شکایات و اعلانات سازمان بازرسی کل کشور و انعکاس پاسخ لازم در سامانه مذکور.
۱۴. انجام مکاتبات با واحدهای مختلف در راستای جمع آوری پاسخ بابت وظایف محوله در سامانه نظارت بر اجرای قانون ارتقای سلامت نظام اداری - سازمان بازرسی کل کشور.
۱۵. بررسی مکاتبات دریافتی از سامانه مکانیزه پاسخگویی به شکایات که در وب سایت بانک مستقر شده و دریافت شکایات مندرج در آن و بررسی و ارائه پاسخ لازم در سامانه مذکور.
۱۶. بررسی مکاتبات، گزارشات و شکایات ارجاع شده از واحدهای برون سازمانی از قبیل: وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی ج.ا.ا، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، نهاد ریاست جمهوری و غیره و هماهنگی های لازم با واحدهای بانک به منظور ارسال پاسخ نهایی.
۱۷. دریافت استعلام های ارزیابی اطلاعات، مسدودی حساب و برون سازمانی از قبیل: بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، سازمان حسابرسی، پلیس آگاهی، پلیس فتا، سازمان امور مالیاتی و و ارسال آن به واحدهای ذی ربط جهت پاسخگویی.
۱۸. بهره گیری از سیستم پست صوتی اخذ انتقادات، پیشنهادات و شکایات و بررسی و پاسخگویی آنها.

اهمیت وجود نظام جامع کنترل های داخلی در بانکها

کنترل های داخلی مجموعه خط مشی ها ، رویه ها، فرآیندها و روش هایی است که توسط هیات مدیره و مدیران ارشد و کارکنان در یک سازمان به منظور دست یابی به اهداف سه گانه زیر مستقر می شود:

• قابلیت اعتماد گزارشگری مالی

• افزایش اثر بخشی و کارآیی عملیات

• رعایت قوانین و مقررات لازم الاجراء

اجزای اصلی ساختارکنترل های داخلی براساس مدل کوزو شامل ۵ مورد زیر می باشد:

(۱) محیط کنترلی

(۲) شناسایی، ارزیابی و مدیریت و کنترل ریسک های محیطی

(۳) فعالیت ها و اقدامات کنترلی

(۴) اطلاعات و ارتباطات دو سویه در سطوح سازمان (مدیریت و کارکنان)

(۵) نظارت (پایش) و انجام اقدامات اصلاحی

از موارد بسیار مهمی که در نظام کنترل های داخلی در هر بانک بایستی به آنها توجه شود موارد ذیل می باشند:

- -حفاظت از دارایی ها
 - -رعایت منشور اخلاقی و حرفه ای از سوی همه کارکنان و پای بندی مدیریت به اجرای آن
 - -ایجاد سیستم جامع متمرکز بانکی
 - -ایجاد سامانه جامع اعتبار سنجی مشتریان اعتباری
 - -ایجاد سامانه وثایق و تضمینات مشتریان اعتباری
 - -شناسایی ذی نفعان واحد در شبکه بانکی
 - -برنامه ریزی جامع برای وصول مطالبات غیر جاری
 - -تجدید نظر در سیستم حسابداری بانکی
 - -استقرار سیستم حسابرسی داخلی بصورت مستمر و لحاظ بیطرفی واستقلال حرفه ای حسابرسان
 - -ایجاد کمیته های تخصصی هیأت مدیره نظیر کمیته های حسابرسی، کمیته عالی ریسک، کمیته تطبیق
 - -ایجاد بستر مناسب برای انجام حسابرسی مبتنی بر ریسک
 - -شفافیت گزارش های مالی از نظر جامعیت و به موقع و مرتبط بودن
 - -پیشگیری از جرایم، سوءاستفاده ها و اشتباهات
 - -رعایت قوانین و مقررات و الزامات ابلاغی از سوی نهادهای ناظر خارجی و حاکم بر فرآیند کسب و کار
 - -ساختار سازمانی، شرح وظایف و تفویض اختیارات مناسب
 - -برقراری نظام صحیح شایسته سالاری و انتصابات
 - -توسعه فن آوری اطلاعات و سیستمی نمودن فعالیت ها و کنترل ها
 - -نظارت بر پرتفوی منابع و مصارف بانک ها (از نظر نرخ سود، مدت و سررسیدها و ریسک های مترتب)
 - -ارزیابی عملکرد مدیران ارشد اجرائی و میانی و کارکنان
 - -بررسی فرآیندها و مهندسی مجدد آن به منظور رفع نقایص و مشکلات
- نکته کلیدی و دارای حایز اهمیت درخصوص استقرار نظام کنترل های داخلی در بانک و یا هر مؤسسه مالی دیگر براساس اسناد منتشر شده کمیته بال در سال ۲۰۱۲ این است که اعمال و پیاده سازی موضوع موصوف منحصراً جزء وظایف واحدهای نظارتی نمی باشد بلکه سطوح مختلف سازمان شامل واحدهای عملیاتی صف و ستاد، واحدهای پشتیبانی و واحدهای کنترلی و نظارتی و نهایتاً مدیریت می بایستی به صورت مستقل اثربخشی فرآیندهای ایجادشده درخصوص استقرار نظام کنترل های داخلی را ارزیابی و به سهم خود اطمینانی معقول را نسبت به صحت عملکرد فرآیندها کسب نمایند.

در این رابطه هر یک از سطوح سازمان موظف به انجام مسئولیت خود بوده و این مهم از یک سطح کنترلی به سطح بعدی منتقل نخواهد شد.

وجود نظام کنترل داخلی کارا، برای دستیابی به سلامت و صحت در تمامی موسسات مالی ضروری است؛ در واقع چنین سیستمی است که می‌تواند تحقق اهداف موسسات واسطه‌گر مالی را تضمین نموده و سود دهی بلند مدت آن را بهبود بخشد. نظام کنترل داخلی همچنین، به منظور تضمین نظارت مناسب مدیریت بر مسائل شرکت و ایجاد فرهنگی مناسب در داخل آن، ضروری است. علاوه بر این، کنترل داخلی برای تشخیص و ارزیابی ریسک‌های موجود، کشف مشکلات موسسه، و تصحیح ناکارایی‌ها، اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد (حساس یگانه، ۱۳۸۹). باید گفت اگر اهمیت نظام کنترل داخلی به درستی درک گردد، این نظام دیگر تنها حوزه‌هایی خاص را پوشش نخواهد داد، بلکه تمامی فعالیت‌های داخل و خارج از ترازنامه بانک را در بر خواهد گرفت؛ و با ماهیت و پیچیدگی‌های ریسک‌هایی که در فعالیت‌های بانکی وجود دارند، در ارتباط مستقیم خواهد بود. تجربه نیز ثابت نموده است که وجود کنترل داخلی موثر توانایی آن را دارد که از مشکلاتی که اغلب بانکها با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند، جلوگیری نموده و یا حداقل اینکه کنترل‌ها به کشف به موقع و زودهنگام نارسایی‌ها بیانجامد؛ و از این طریق از وقوع بحرانهای بانکی و سیستماتیک پیشگیری نماید. از این روست که کمیته بازل و همچنین، ناظران بانکی در اقصی نقاط جهان، همگی به صورت فزاینده‌ای بر اهمیت وجود کنترل داخلی مناسب تاکید ورزیده‌اند.

در این رابطه اصولاً یکی از وظایف هیئت مدیره آن است که مطمئن گردد، نظام کنترل داخلی کارا و اثربخش بانک در وجود داشته و حقیقتاً مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. زمانی که چنین نظامی توسط هیئت مدیره به وجود آمد، دیگر وظیفه مدیریت ارشد است که فرآیندهایی راطراحی تا از طریق آنها بتوان تمامی ریسک‌هایی که در تحقق اهداف شرکت موثرند را شناسایی، اندازه‌گیری، ارزیابی و نهایتاً کنترل نمود؛ ریسک‌هایی که خود شامل این موارد می‌گردند شامل: ریسک اعتباری ریسک کشوری و انتقال ریسک نرخ بهره، ریسک بازار، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی، ریسک قانونی و نهایتاً ریسک شهرت می‌باشند. در واقع لازم است که هیئت مدیره و مدیریت ارشد در کنار هم مسئول بهبود وضعیت اخلاق حرفه‌ای، صداقت و نیز ایجاد فرهنگی مناسب در شرکت باشند؛ فرهنگی که از طریق آن تمامی پرسنل شرکت به این نکته پی خواهند برد که لازم است وظایف خود را صادقانه و کارا به انجام رسانند. فراموش نکنیم که اگر مواردی مانند پارتی بازی، خویشاوندگرایی، بی‌عدالتی و بی‌انصافی در مؤسسه‌ای وجود داشته باشند، چنین فرهنگ مناسبی به وجود نخواهد آمد؛ چرا که موارد مذکور در واقع نظام تشویق و تنبیه موجود در شرکت را تخریب می‌کنند. در همین راستا تدوین و ابلاغ منشور اخلاقی و حرفه‌ای و ضرورت اجرای آن در سطح کلیه کارکنان در قریب به اتفاق ضوابط ابلاغی از سوی نهادهای ناظر مانند بانک مرکزی ج.ا.ا و سازمان بورس مورد تاکید قرار گرفته است.

لازم است که نظام کنترل داخلی به صورتی پیوسته مورد ارزیابی قرار گرفته؛ با این هدف که تطابق فعالیت‌هایش با قوانین و فرآیندهای موجود در موسسات واسطه‌گر مالی، حدود خطر مورد قبول، مصوبات و تجویزات و نهایتاً بازبینی‌ها و اصلاحات انجام شده، تضمین گردد. در این رابطه باید اذعان نمود که امکان آن وجود ندارد که نظام کنترلی را به صورت کارایی به اجرا درآورد مگر آنکه کانالهای ارتباطی کارا و موثر وجود داشته باشند. علاوه بر این، لازم است که امکان دسترسی سریع و به موقع به اطلاعات ضروری (اطلاعاتی که در فرآیند تصمیم‌گیری موثر می‌باشند) در رابطه با تمامی فعالیت‌های مهم بانک و همچنین در رابطه با شرایط بازار خارجی فراهم باشد. نهایتاً توجه شود که لازم است نظام حسابرسی داخلی که خود بخش مهمی از نظام کنترل داخلی است، قوی و مستقل بوده، مستقیماً به کمیته حسابرسی، هیئت مدیره و مدیریت ارشد بانک گزارش دهد. در این رابطه لازم است که بازرسان و حسابرسان داخلی از تخصص‌های لازم در زمینه امور مالی و بانکی برخوردار بوده و همواره از

طریق برگزاری همایش ها و دوره های آموزشی مرتبط در رابطه با ارتقای دانش حرفه ای خود تلاش نموده و برنامه های لازم از سوی مدیران برای جذب افراد مطلع و با تجربه و لحاظ آموزش های حرفه ای و کاربردی در این بخش فراهم گردد. همچنین لازم است در بانک کمیته ای تخصصی و مستقل زیر نظر اعضای غیر موظف هیأت مدیره و با عضویت افراد مستقل خارج از بانک و صاحب نظر در رابطه با مسائل مالی و حسابداری و حسابرسی تشکیل و با عنوان کمیته حسابرسی برنامه های پیشنهادی واحد حسابرسی داخلی را مصوب و ابلاغ و از طریق برگزاری جلسات منظم، ریسک های محیطی بانک و وضعیت سیستم کنترل داخلی در بانک را با گزارشگیری های به موقع و تعامل لازم با حسابرسان مستقل و مدیریت بانک پیش نمایند. این کمیته نقش قابل توجهی در شناسایی انواع ریسکهای عملیاتی و اتخاذ تدابیر لازم و ابلاغ آن برای مدیریت این ریسک و سایر نارسائی های شناسایی شده به عهده دارد.

زمانی که نظام کنترل داخلی مشکلات را کشف نمود، دیگر وظیفه مدیریت ارشد و هیئت مدیره است که فوراً اقدامات اصلاحی را به منظور حل مشکلات اتخاذ نمایند. به تعویق انداختن بی مورد این اقدام ممکن است برای بانک بسیار مضر باشد؛ و لذا مقامات نظارتی باید بانکها را به دلیل چنین تعویق هایی جریمه نمایند. بدون وجود چنین جریمه-ای، خطر آن وجود دارد که نظام کنترلی داخلی به موجودیتی نمایشی و صوری تبدیل گردد و نتواند در عمل نقش خود را ایفا نماید. عدم کارکرد صحیح کمیته های تخصصی و همچنین عدم دانش فنی و حرفه ای نزد حسابرسان و بازرسان داخلی زمینه های بی اثر بودن حضور و وجود این واحدها و اشخاص را در هر سیستمی فراهم نموده و در این شرایط امکان بروز مشکلات و انواع ریسکها و سوءاستفاده ها تشدید می گردد. بدیهی است که این موضوع در بروز بحرانهای جدی برای موسسات مالی و بانکها که اساساً برپایه اعتماد مردم قادر به ادامه فعالیت می باشند و از نسبتهای اهرمی بسیار بالایی برخوردارند تاثیر بسزایی دارد. بسیاری از شرکتهای بزرگ که دچار بحرانهای مالی شده و دارائی های آنها در معرض انواع سوءاستفاده قرار گرفته و محکوم به ورشکستگی گردیده اند دارای کمیته های نمادین حسابرسی، کمیته ریسک و واحد حسابرسی داخلی بوده اند لیکن این واحدها بواسطه عدم وجود دانش و تجربه لازم رعایت استقلال حرفه ای و نمایشی و صوری بودن و موارد مشابه نتوانسته اند نقش خود را به خوبی ایفا نمایند.

ورشکستی شرکتهایی نظیر انرون و ورلدکام که سرآمد فعالیتهای حرفه ای در صنعت و کسب و کار خود بوده اند اما براساس ناکارآمد بودن حسابرسان و کمیته ریسک و ارکان کنترلی به ورطه سقوط رسیدند موید عدم اثربخشی حضور واحدهای صوری و نمایشی در سیستم کنترل داخلی می باشد.

یکی از وظایف اصلی مقامات نظارتی آن است که مطمئن گردند سیستم کنترل های داخلی با ماهیت و پیچیدگی ریسکهای بانک در فعالیت های بانک (فعالیت های داخل و خارج از ترانزاکشن بانک) وجود دارد، مطابقت داشته باشد. علاوه براین، لازم است که نظام کنترلی مذکور خود را با تغییراتی که در چالش ها و مشکلات داخلی و خارجی بانکهای مختلف پیش می آید، مطابقت دهد. از این نکته نیز غفلت نورزیم که گرچه حسابرسان خارجی به عنوان یک بخش داخلی موسسه عالی به حساب نمی آیند، اما توانایی آن را دارند که از طریق فعالیتهای حسابرسی خود، تاثیر مهمی بر کیفیت کنترل داخلی شرکت داشته باشند. در واقع این افراد می توانند با هدف کارا تر ساختن نظام کنترل داخلی، بازخورد خود را در رابطه با موفقیتها و پیشرفت های این نظام، در اختیار مدیریت ارشد و هیات مدیره قرار دهند. یک نظام کنترل داخلی مناسب مبنای اساسی برای بانکداری سالم و ایمن بوده و مدیریت را در جهت حفظ منافع و منابع بانک یاری می نماید.

اهداف اصلی در نظام موثر کنترلهای داخلی در موسسات اعتباری و سایر موسسات واسطه گر مالی شامل مواردی نظیر دستیابی به اهداف موسسه اعتباری، حصول اطمینان از اثربخشی و کارائی عملیات، مدیریت کارآمد ریسکهای محیطی، حصول اطمینان از عملکرد مناسب نظام گزارش گری مالی و مدیریت و ارتقای شفافیت آن، حصول اطمینان از پایبند بودن تمام واحدها و

کارکنان موسسه به رعایت قوانین و مقررات مربوطه، استراتژی‌ها و برنامه و ضوابط داخلی و در نهایت محافظت از منابع و دارائی‌های موسسه در برابر هرگونه سوء استفاده و خسارت و زیان و اختلاس می‌باشد.

در صورت استقرار صحیح سیستم و نظام کنترل‌های داخلی موارد ذیل در بانک‌ها و سایر موسسات واسطه-گر مالی-محقق می‌گردد:

- بهبود نظارت و پاسخگویی مناسب مدیریت و کمک به گسترش فرهنگ نظارت و کنترل

- کمک به فرآیند تصمیم‌گیری و اداره موثر موسسه

- بهبود مدیریت ریسک‌های موجود در فعالیتهای موسسه

- رعایت فرآیند اخذ مجوزها و مصوبات، رفع مغایرت‌ها و بازبینی عملکرد عملیاتی

- بهبود اقدامات کنترلی جهت پیشگیری، شناسایی و اصلاح به موقع نارسائی‌ها از جمله اشتباهات، تخلفات و سوء استفاده‌ها

- کنترل ریسک‌های موجود در محیط بانکی نظیر ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی در مواردی نظیر وقفه‌های

عملیاتی، تحمیل جرائم و ریسک محصولات و خدمات جدید و عملکرد کاری پرسنل، کنترل ریسک بازار، ریسک قانونی و...

کنترل‌های داخلی در واقع روشی است که ریسک را مدیریت می‌کند و در عمل پاسخی به ریسک‌های موجود در محیط موسسه می‌باشد.

همانطوریکه در جدول ذیل درج گردیده، بانک‌ها در جریان عملیات بانکی با انواع ریسک‌ها مواجه‌اند. ریسک‌های بانکی عمدتاً در چهار حوزه مالی، عملیاتی، تجاری و ریسک‌های موردی قابل طبقه‌بندی هستند. ریسک‌های مالی به دو گونه شامل ریسک‌های محض؛ شامل ریسک‌های نقدینگی و اعتباری، و ریسک‌های تعهدات می‌باشد که اگر به خوبی مدیریت نشود، به زیان بانک‌ها و نهایتاً به ورشکستگی می‌انجامد. ریسک‌های سوداگرانه مبتنی بر آربیتراژ مالی، در صورت وجود فرصت آربیتراژ به کسب سود و در غیر این صورت به تحمل زیان منجر خواهد شد.

انواع ریسک‌های سوداگرانه شامل؛ ریسک‌های نرخ بهره، تغییرات نرخ ارز و قیمت (یا وضعیت) بازار است.

هم‌چنین ریسک‌های مالی وابستگی درونی پیچیده‌ای دارند که ممکن است نمای ریسک کلی بانک را افزایش چشمگیری بخشند. برای مثال؛ یک بانک که به مبادلات ارزی با خارج از کشور می‌پردازد، بطور طبیعی در معرض پذیرش ریسک مبادلات ارزی قرار می‌گیرد، اما اگر این بانک وضعیت باز ارزی داشته باشد یا تطابق زمانی را در تعهدات آتی خود رعایت نکرده باشد، در معرض ریسک نرخ بهره و ریسک نقدینگی اضافی نیز قرار می‌گیرد.

ریسک‌های عملیاتی به ساختار سازمانی یک بانک و عملکرد سیستم‌های داخلی شامل؛ فناوری رایانه‌ای و یا سایر فناوری‌ها و رعایت سیاست‌ها و رویه‌ها وابسته است که سوء مدیریت و تقلب را می‌سازد. ریسک‌های تجاری به محیط کسب و کار بانک شامل؛ متغیرهای کلان اقتصادی، خط‌مشی‌ها، متغیرهای حقوقی و مقرراتی، زیرساخت مالی و نظام پرداخت‌ها مربوط است (حساس یگانه، ۱۳۹۰).

ریسک‌های موردی شامل تمامی ریسک‌های برونزایی است که در صورت با اهمیت بودن می‌تواند عملیات بانک را به خطر انداخته و یا وضعیت مالی و کفایت سرمایه را تضعیف نماید.

جدول انواع ریسک‌های بانکی

ریسک‌های مالی (درونزا)	ریسک‌های عملیاتی (درونزا)	ریسک‌های کسب و کار (درونزا)	ریسک‌های رویدادی (برونزا)
ساختار تراز نامه	تقلب درون سازمانی	خط و مشی کلان	سیاسی

انتقالی	زیر ساخت مالی	تقلب برون سازمانی	ساختار سود و زیان / سود آوری
بحران بانکی	زیر ساخت حقوقی	روش استخدام و امنیت شغلی	کفایت سرمایه
سایر ریسک های برونزا	بدهی های حقوقی	خدمات مشتریان ، تولید کنندگان و خدمات تجاری	اعتباری
	رعایت مقررات	خسارات دارایی های مشهود	نقدینگی
	شهرت و اعتبار	ناکامی تجاری و ناکارآمدی سیستمها (ریسک فناوری)	بازار
	ریسک کشوری	اجرا ، واگذاری و مدیریت فرآیند ها	ارز

جمع بندی و خلاصه :

در یک نظام جامع و مؤثر کنترل های داخلی، زمینه مناسبی برای ایفای کامل مسئولیت های نظارتی هیأت مدیره بوجود آمده و ساختار سازمانی همراه با تفویض اختیار مناسب پیش بینی می شود و درستکاری و حفظ و بسط ارزش های اخلاقی و حرفه ای سرلوحه عملی کارکنان یک مؤسسه قرار می گیرد. برای فعالیت های مختلف و اصلی بانک دستورالعمل ها ، آیین نامه ها و ابلاغیه های مناسب وجود داشته و مدیریت ارشد و کارکنان پای بند به اجرای آنها می باشند، شناسایی، اندازه گیری و مدیریت انواع ریسک های محیطی با دقت صورت پذیرفته و از دارایی های مؤسسه با استفاده از روش های متناسب حفاظت می گردد با تعریف فرآیند شایسته گزینی و شایسته سالاری انتصابات و شناسایی جایگزینی مدیران با دقت و از طریق کمیته های پیش بینی شده و وفق ضوابط از پیش تعیین شده انجام پذیرفته و معاملات عمده از طریق ساز و کارهای مناسب تحت کنترل و رصد و نظارت مسئولین مربوطه قرار می گیرد و بستر لازم درخصوص شناسایی و پیش گیری از معاملات مشکوک، سوءاستفاده ها، اشتباهات و بروز نارسایی ها وجود داشته و از طریق تشکیل کمیته های تخصصی هیأت مدیره نظیر کمیته حسابرسی و کمیته ریسک سیاستگذاری های لازم درخصوص شفافیت صورت های مالی، رعایت الزامات مربوطه در گزارشگری های مالی، افشای معاملات مربوط به اشخاص وابسته و مرتبط و شناسایی و ارزیابی و مدیریت انواع ریسک های محیطی اعم از ریسک های عملیاتی، اعتباری، تغییرات نرخ سود، ریسک حقوقی، ریسک شهرت، ریسک نقدینگی و صورت می پذیرد در این رابطه بانک صادرات ایران با همت و عزم مدیران و کارکنان خود و با استفاده از رهنمودهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (مفاد بخشنامه مب ۱۱۷۲) در خصوص نحوه استقرار و ارتقای نظام جامع کنترل های داخلی براساس مدل کوزو و همچنین دستورالعمل کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی ابلاغی از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و استفاده و بهره برداری از حضور مشاوران مجرب و مسلم حرفه های حسابرسی و حسابداری کشور و بهره مندی از نظرات ایشان در کمیته های تخصصی هیأت مدیره گام های بزرگی درخصوص ارتقای نظام جامع کنترل های داخلی برداشته و همچنان مصمم است با بهره گیری از تجارب بین المللی و بومی نمودن آن و نیز رهنمودهای ارایه شده از سوی بانک مرکزی ج.ا.ا ، سازمان بورس و اوراق بهادار و حفظ تعامل موجود با ناظران بر شبکه بانکی، زمینه های لازم را برای جلب اعتماد بیش از پیش مشتریان و اشخاص طرف قرارداد و کلیه ذینفعان فراهم نماید.

در همین راستا مدیریت بانک تغییر ساختار مدنظر بانک مرکزی ج.ا.ا به منظور استقرار نظام حاکمیتی شرکتی و تفکیک مدیران اجرایی و نظارتی را به منظور افزایش کارایی، تقویت و بهبود وضعیت کنترل های داخلی، سرعت بخشی در

تصمیم‌گیری‌های اجرایی و را در دستور کار خود قرار داده تا با اصلاح ساختار و اجرایی نمودن نقطه نظرات محافل تخصصی و حرفه‌ای ناظر بر خود، اهداف اصلی راهبری شرکتی در رابطه با شفاف‌سازی گزارشات، مسئولیت‌پذیری مدیران، عدالت‌ورزی و برخورد منصفانه با سهامداران و مشتریان، پاسخگویی و افشای اطلاعات به صورت بموقع و مناسب و نهایتاً رعایت و تأمین حقوق و انتظارات کلیه ذینفعان را به صورت جامع و عملی محقق سازد